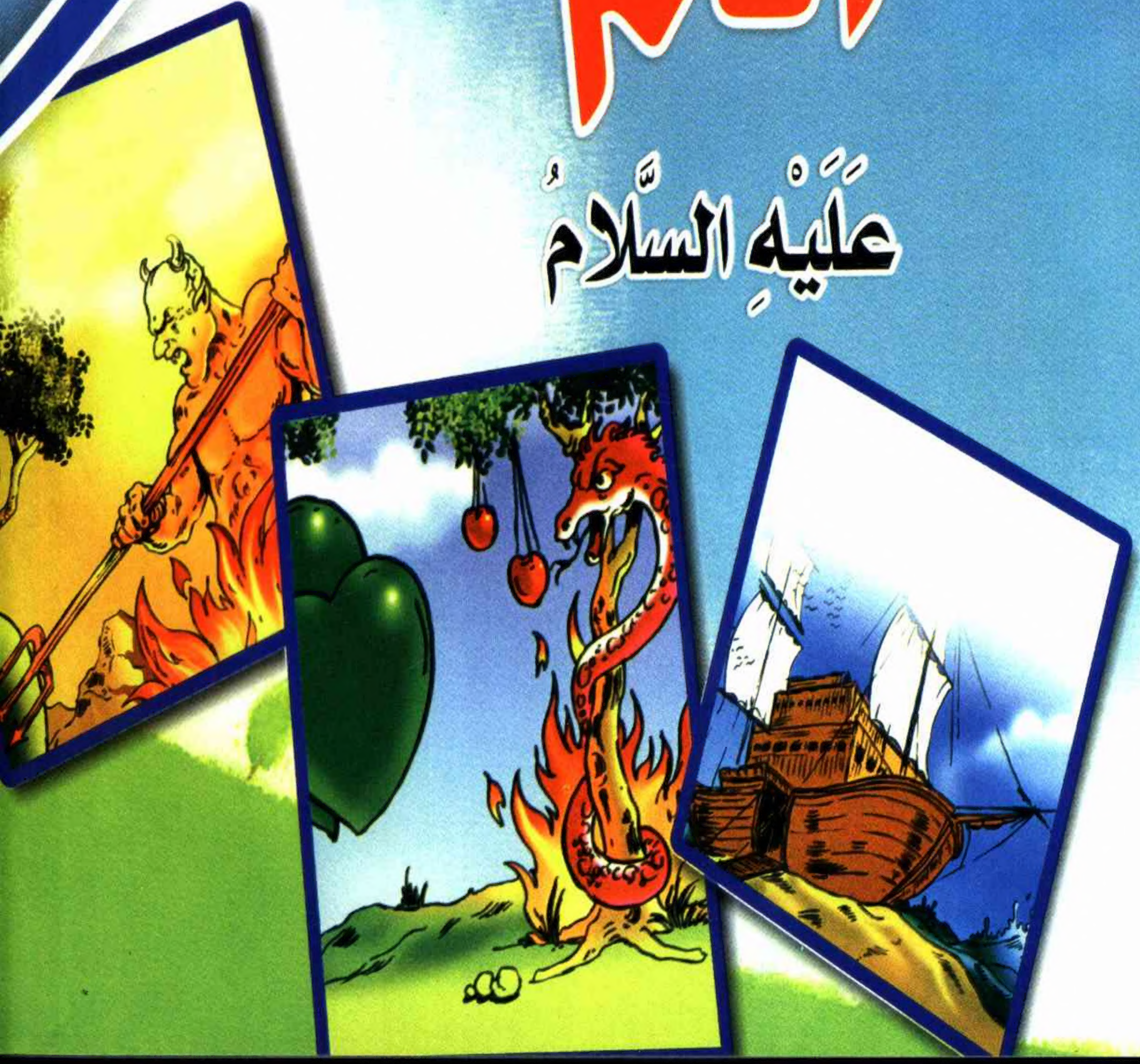
مترجم: عبدالحمید گل مهرآبادی

داستان اول

مجموعه داستان های پیامبران

# آدم

## عَلَیْهِ السَّلامُ



## مجموعه داستانهای پیامبران

## حضرت آدم علیه السلام

مترجم: عبدالحمید گل مهرآبادی

صفحه آرا: عبداللطیف شعبانی

ناشر: آوای اسلام تربت جام

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۹

شمارگان: ۵۲۰۰

چاپ: دقت

قطع: خشتی

قیمت: ۷۵۰تومان

شابک: ۴ـ ۱۳ ـ ۵۹۹۳ ـ ۶۰۰ ـ ۹۷۸





مرکز پخش: تربت جام، انتشارات آوای اسلام

خواف، کتابفروشی شمس ۰۵۳۲۴۲۲۳۴۸۰

| | |
|---|---|
| سرشناسه | گل مهر آبادی ، عبدالحمید . |
| عنوان | : مجموعه داستانهای پیامبران . |
| پدید آور | : عبد الحمید گل مهر آبادی . |
| مشخصات نشر | : تربت جام ، آوای اسلام ، ۱۳۸۹ . |
| مشخصات ظاهری | : ۱۲ ص |
| موضوع | :اسلام - پیامبران . |
| رده بندی کنگره | :۹۹۰۴۱ ژ ۸۸ ش |
| رده بندی دیوبی | : ۲۹۷/۱۵۶ |
| شابک دوره | ۳-۲۳-۵۹۹۳-۶۰۰-۹۷۸. |




نمای داخلی حوزه علمیه احناف خواف

اوّلین انسانی را که خداوند آفرید، حضرت آدم است. خدا آدم را از خاک آفرید. سپس از روح خود در او دمید و او را پدر تمام انسان ها قرار داد.



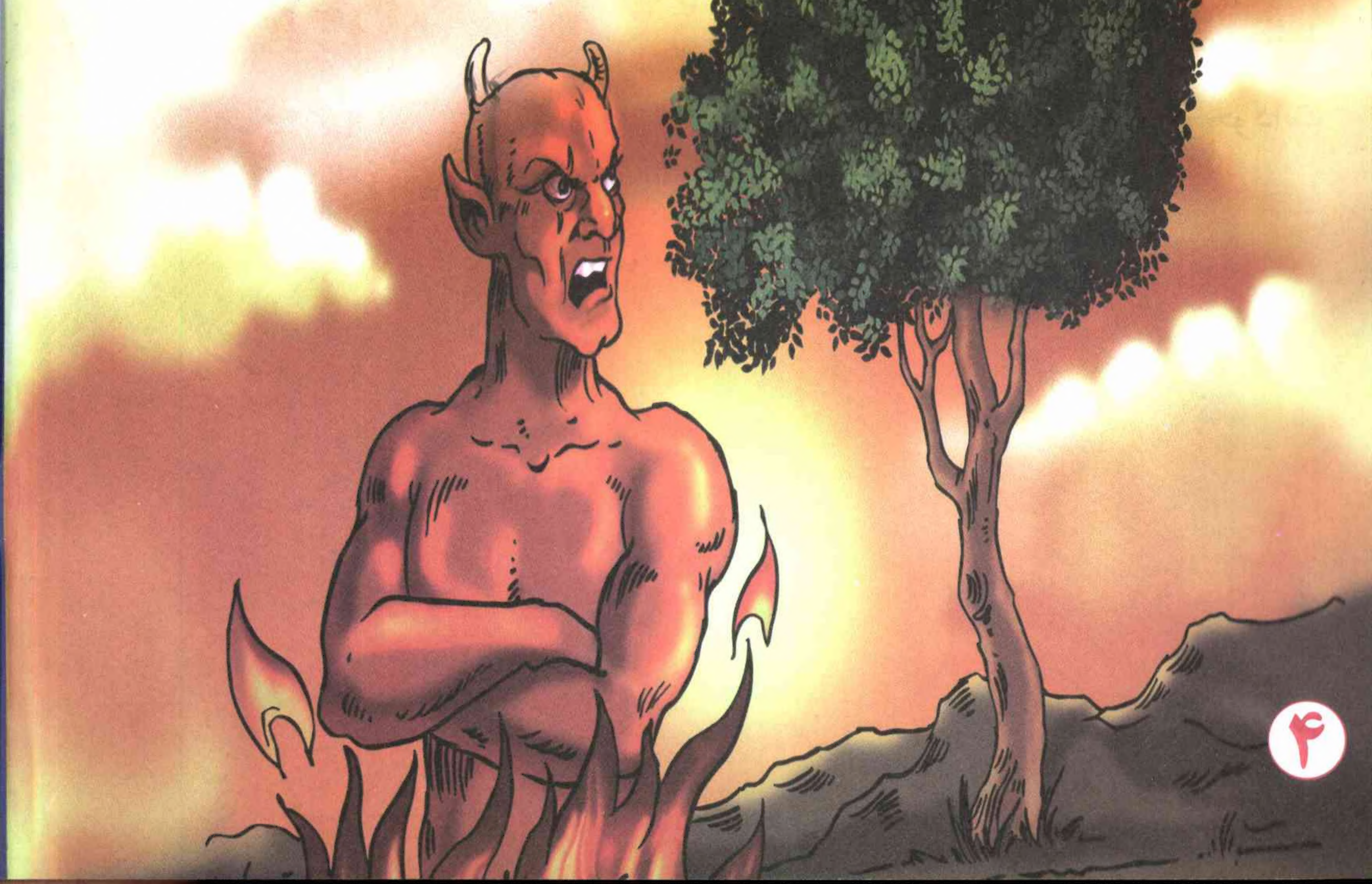


خداوند خواست تا آدم به عنوان جانشین او در روی زمین باشد، تا آن را آباد کند و او و فرزندانش تا روز واپسین خدا را عبادت کنند.

به راستی که خداوند، بسیاری از علوم و اسامی تمام چیزها و مخلوقات را به او آموخت و قدرت عقل و تشخیص را به او بخشید و بدین ترتیب آدم را بر تمام موجودات برتری داد.

خداوند به فرشتگان دستور داد تا آدم را سجده کنند.

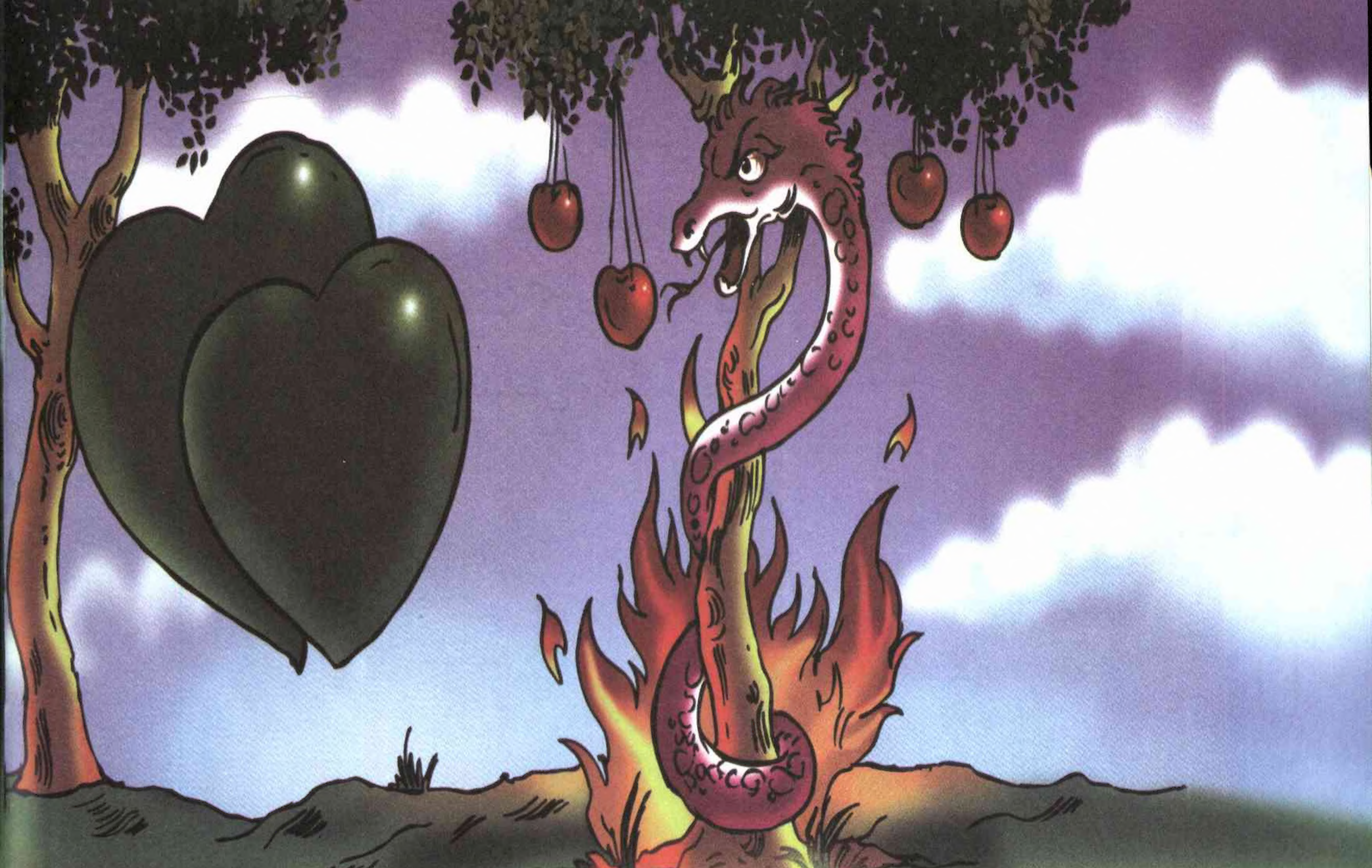
همه اطاعت کردند به غیر از شیطان که به آدم حسد می ورزید، به خاطر آن که خداوند مقام بزرگی به آدم داده بود و به دیگران نداده بود. او را غرور و خودبینی فرا گرفت و گفت: «من از آدم بهترم زیرا من را از آتش و او را از گِل آفریده ای».



در نتیجه، خداوند بر شیطان خشم گرفت و او را از بهشت بیرون راند. شیطان هم کینه ی آدم و فرزندانش را در دل گرفت و تصمیم گرفت تا انسان‌ها را گمراه سازد.

شیطان از خداوند درخواست کرد تا روز قیامت به وی فرصت دهد که آدم و فرزندانش را گمراه کند.





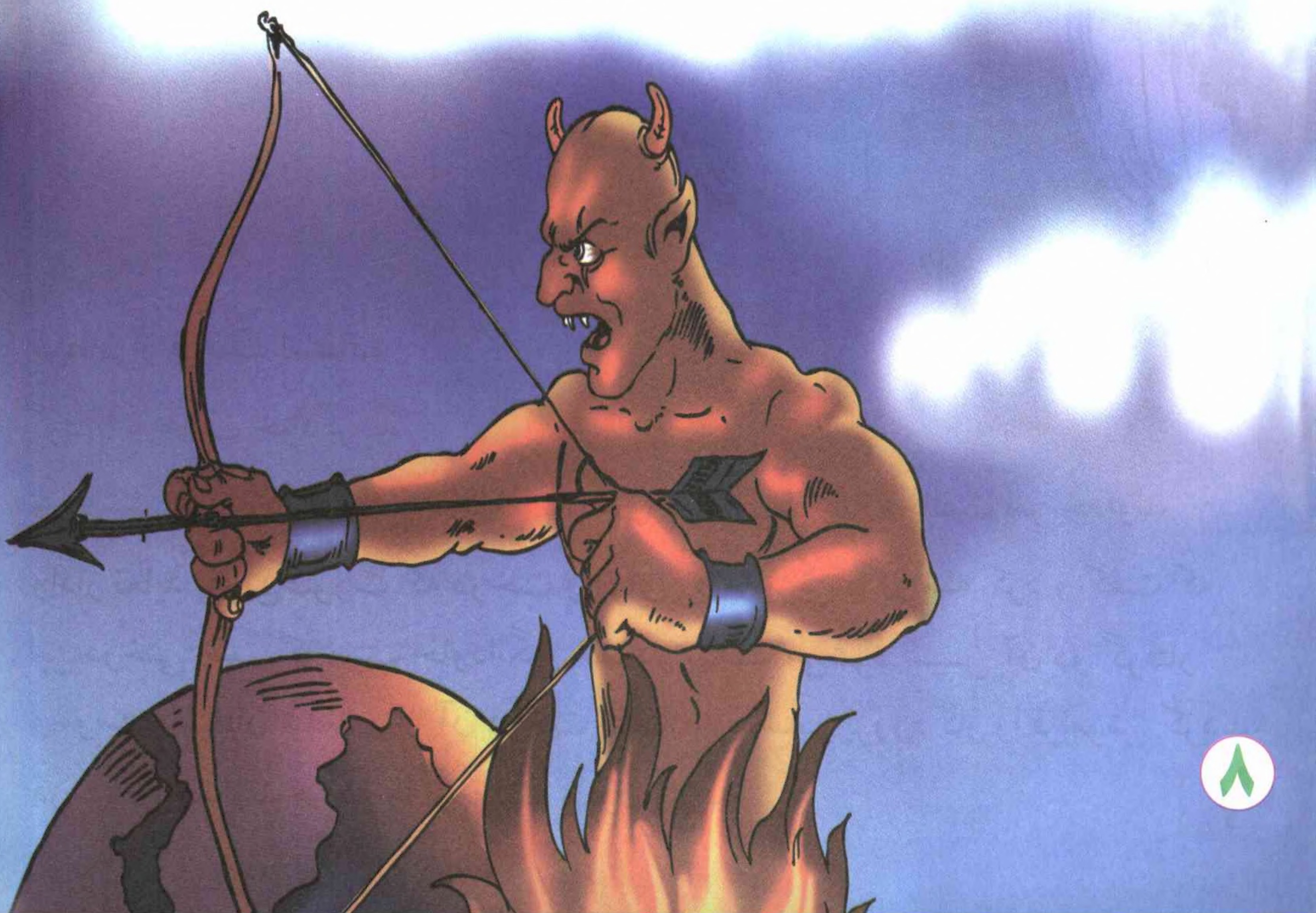
آدم در بهشت زندگی می‌کرد و خداوند همسری به نام «حوّا» برایش آفرید تا همدم او باشد و به آن‌ها اجازه استفاده از تمام میوه‌های بهشت به جز یک درخت داده شد.

خداوند به آن‌ها دستور داد که به این درخت نزدیک نشوید تا مورد خشم و غضبم قرار نگیرید.



شیطان از فرصت استفاده
کرد تا به هدف خود برسد
و تلاشش این بود تا با گمراه ساختن آدم و حوّا آن‌ها را به مخالفت امر خداوند وادار نماید به این‌صورت که درخت را برای آن‌ها مزیّن و آراسته کرد و گفت که این درختی است که سبب جاودانگی شما در بهشت می‌شود. سپس آن دو گرفتار وسوسه‌ی شیطان شدند و از آن درخت استفاده و دستور پروردگار را فراموش کردند. در نتیجه، خداوند هر دو را از بهشت بیرون راند.

آفریدگار به آدم و حوّا دستور داد تا بر روی زمین فرود آیند و آن‌ها را از فریب و مکر شیطان آگاه نمود. آدم دانست که دشمن واقعی آن‌ها شیطان است. به این ترتیب فرزندان خود را از او و وسوسه‌هایش برحذر می‌داشت و آن‌ها را به سوی طاعت و بندگی خداوند تشویق می‌کرد.



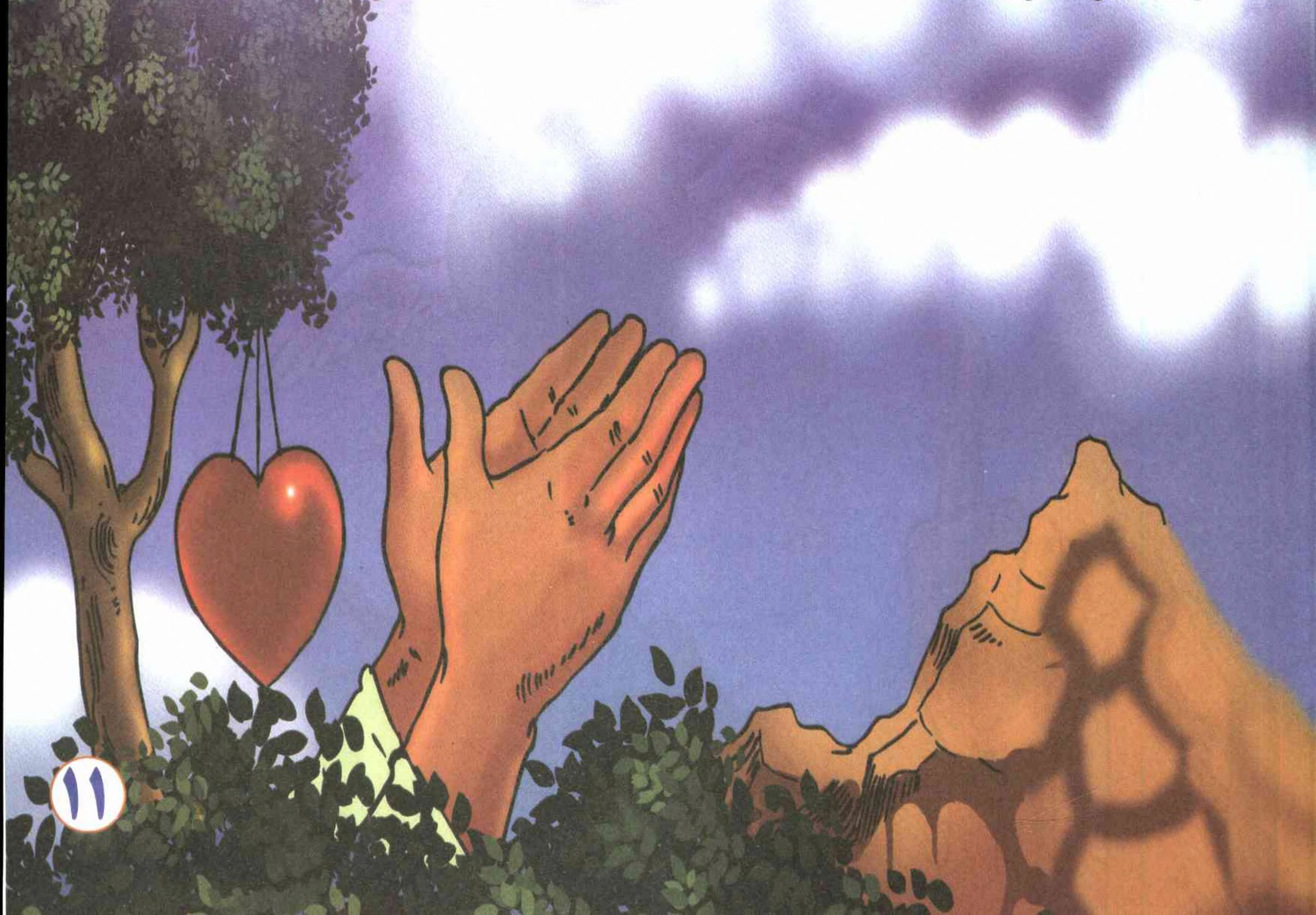
حضرت آدم دو فرزند داشت نام یکی «هابیل» و دیگری «قابیل» بود. این دو با محبّت و خوشی با همدیگر زندگی می کردند. امّا شیطان آتش دشمنی را در میان این دو برادر شعله‌ور ساخت و توانست حسد را در قلب «قابیل» به وجود آورد.



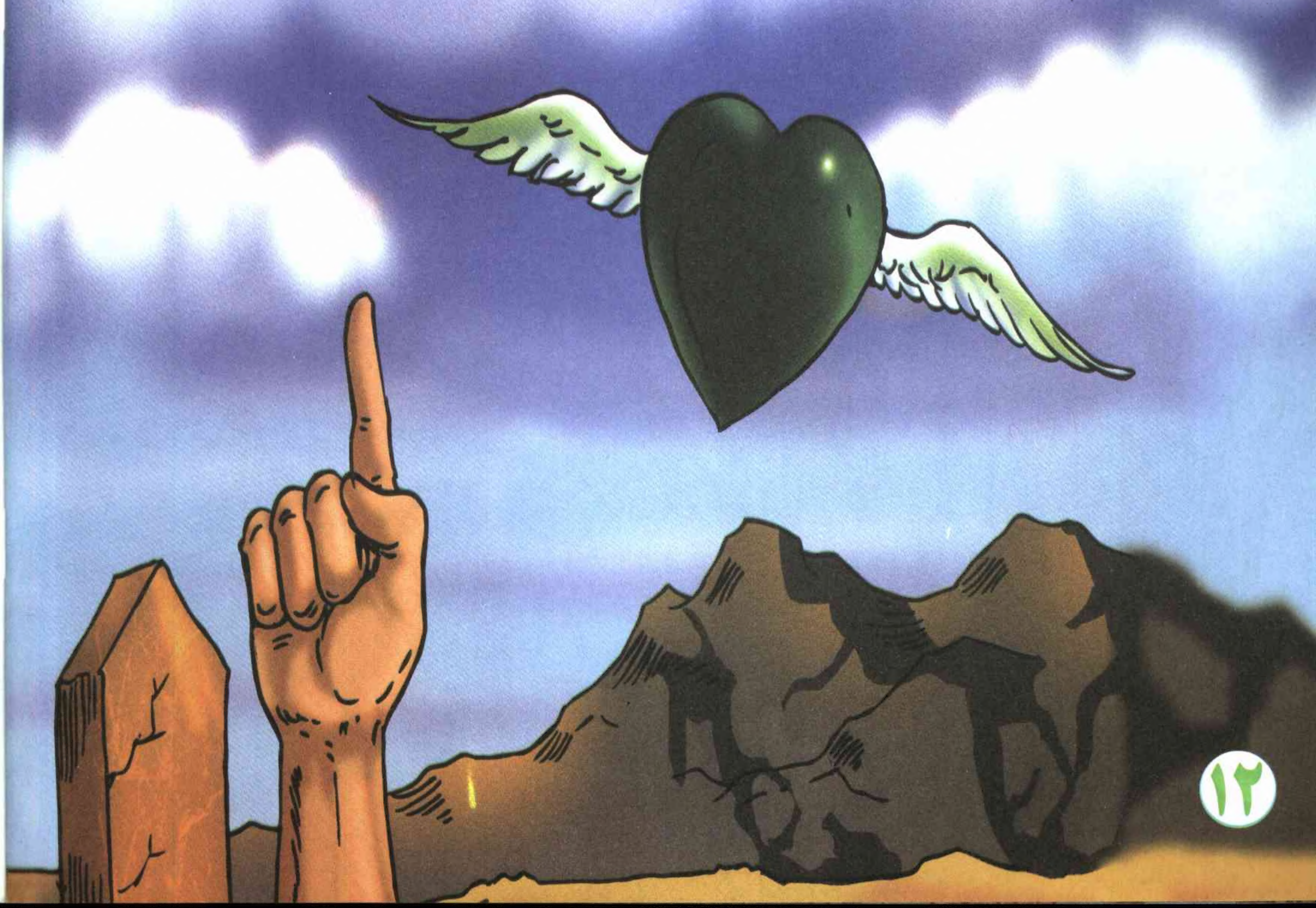
شیطان در قلب «قابیل» وسوسه می کرد و روز به روز بر کینه‌ی او نسبت به برادرش می‌افزود تا این که قابیل برادرش هابیل را کشت. امّا بعد از کرده‌ی خود پشیمان شد. نمی‌دانست چگونه او را دفن کند، خداوند کلاغی را فرستاد که با منقار خود زمین را کَند و حفره‌ای به وجود آورد، در آن لحظه «قابیل» هم از کلاغ یاد گرفت که چگونه برادرش «هابیل» را دفن کند.



قتل، اوّلین کار ناخوشایندی بود که در این جهان، به وقوع پیوست. حضرت آدم به خاطر این عمل زشت و نادرست ـ که بین فرزندانش واقع شد ـ ناراحت شد و از خدا خواست تا فرزند نیک و صالحی به او عطا کند تا مردم را به سوی خیر دعوت دهد.



خداوند دعای حضرت آدم را پذیرفت و فرزندی به نام «شیث» به او عطا کرد. حضرت آدم بعد از آن تا هشتصد سال زندگی کرد و هنگامی که مرگ او فرا رسید فرزند خود را نصیحت کرد تا محافظ دین الهی باشد، خداوند را عبادت کند و مردم را به سوی او فرا خواند.

































انتشارات آوای اسلام

مرکز پخش

تربت جام ـ انتشارات آوای اسلام

۰۹۱۵۵۱۸۸۳۴۲

خواف ـ کتابفروشی شمس

۰۵۳۲۴۲۲۳۴۸۰

شابک دوره: ۹۷۸ ـ ۶۰۰ ـ ۵۹۹۳ ـ ۲۳ ـ ۳

ISBN:978_600_5993_23_3